

خیلواکی



استقلال

www.esteqtaal.net

پنجشنبه ۰۴ فیبروری ۲۰۲۱

حامد نوید

"بیداد زمان"



این شعر را برای این نوشتم تا ما منحیث یک ملت درد همدگر را حس نکنیم، گاه با زخم زبان و گاه با خنجر و سلاح اجانب تن همدگر را ندریم؛ و چشم امید ما همواره به لطف دیگران باشد، از پیکرمجروح این ملت خون خواهد ریخت و دیگران ما را به دیده ایکه سزاوار ما نیست خواهند دید .

بیداد زمان

بسکه در آتش بیداد زمان سوخته ایم
هرکه لطفی بکند چشم به او دوخته ایم
بزمها گرم شود ز آه دل و سینه ما
آن چراغیم که صد انجمن افروخته ایم
مرغ دل از قفس سینه برون آی که ما

اندرین خانه به جز درد نی اندوخته ایم
تا به کی پیکر ما لاله صفت گلگون است
تابه کی این کفن سرخ به تن دوخته ایم
که بسوزیم عدو در شرر و گه تن خویش
بسکه از جهل و تب کینه برافروخته ایم
چند از آز زنی چنگ به ویرانه دل
مگر این نیمه جان را بتو بفروخته ایم؟
آتش عقده دل سوخت سرا پا تن ما
ما ز ویرانی خود این سخن آموخته ایم
هموطن از ته دل با تو سخن میگویم
ای که با رشته تاریخ بهم دوخته ایم
رمز آزادی ما وحدت ما هست و ولی
وای برما ست که این درس نیاموخته ایم
ساقیا باز ز سرچشمه امید و صفا
قدحی ریز که عمریست جگر سوخته ایم
حامد نوید